

مادر

عمریست امید دارم دید و وصالت، مادر
خواهم ز خالق خویش آب و هوایت، مادر
ترکت نمودم آخر، از فرط ناتوانی
روز و شبم بیادت در خون خضاب، مادر
دایم بقلبم جایت، آخر شوم فدایت
کوه ها و دشت و باغات رؤیای خواب، مادر
من خاک راحت هستم، دور از برت بگشتم
ای مادر خوش لقا هستی پناهم، مادر
خواهم ز قادر کل، روزی شود که آیم
از دامن عزیزت گیرم دوایم، مادر
آن روز دوریت را، دارم همیشه یادم
بد روز بود آن روزای خوش لقایم، مادر
گشتم به دور دنیا، از شرق تا به غربش
لیکن نیافتم هیچ جا مهر و وفایت، مادر
از قتل عام مردم، و ز جفای ظالمان
گردم فدای صبرت ای مهربان، مادر

ای مادر قهرمان افتاده ای بزندان
خواهم ز قادر کل آزادیت، مادر
خوش آنزمان که گردی، آزاد از اسارت
آیم ببوسم خاکت لحظه به لحظه، مادر
بی خانمان گشتم، دور از برت به هرسو
محتاجت "حیدری" شد ای مهربان، مادر

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۲۶، ۴، ۲۳، ۲۰۲۳، سدنی